

۲۴ کشته و زخمی در پی حمله اوکراین به روسیه



در پی حمله اوکراین به منطقه بلگورود روسیه، ۲۴ نفر کشته و زخمی شدند.

به گزارش ایلنا به نقل از تاس، «ویاچسلاو گلادکوف» فرماندار منطقه بلگورود اعلام کرد که در جریان حمله روز گذشته اوکراین به این منطقه، ۱ نفر کشته و ۲۳ تن مجروح شدند. گلادکوف در تلگرام نوشت: «دربور روز چالش‌برانگیزی در سراسر منطقه بلگورود بود، زیرا بلگورود، ناحیه بلگورود، ناحیه شبکینو و ناحیه گرایورون تحت حملات چند ساعته دشمن قرار گرفتند و یک نفر در ناحیه راکیتنوی کشته شد». وی با خانواده و دوستان فرد کشته شده ابراز هم دردی کرد. به گفته فرماندار بلگورود ۲۳ غیرنظامی از جمله ۳ کودک در جریان این حملات مجروح شدند و دو تن از مصدومان در شرایط بحرانی قرار دارند.

لولا دا سیلوا:

ترامپ توافق تجاری را تضمین کرد



رئیس جمهور برزیل گفت که همتای آمریکایی توافق تجاری میان دو کشور را تضمین کرده است.

به گزارش ایلنا به نقل از رویترز، «لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا» رئیس‌جمهور برزیل امروز -دوشنبه- گفت در جریان دیدار اخیر با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، وی تضمین کرده که دو کشور به یک توافق تجاری دست می‌یابند. لولا به طور خلاصه در حاشیه نشست اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) در مالزی گفت که مذاکراتش با ترامپ به خوبی پیش رفت و یک توافق سریعتر از آنچه دیگران فکر می‌کنند به دست خواهد آمد. وی اظهار داشت: «تصمیم اخیر ایالات متحده علیه برزیل نادرست بود». ایالات متحده در اعتراض به حکم محکومیت «ژائیر بولسونارو» رئیس‌جمهور اسبق برزیل، بر محصولات این کشور نعره ۵۰ درصدی اعمال کرد.

شبه‌نظامیان کلمبیایی:

با آمریکا می‌جنگیم!



یک گروه شبه‌نظامی جدانشده از فارک در کلمبیا هشدار داد در صورت نقض حاکمیت کشورشان توسط آمریکا، با نیروهای این کشور وارد جنگ خواهد شد. این تهدید در حالی مطرح می‌شود که ترامپ احتمال عملیات زمینی علیه قاچاقچیان مواد مخدر در کلمبیا را بررسی می‌کند. به گزارش ایلنا به نقل از الجزیره، شبه‌نظامیان موسوم به «هیئت ستاد کل مرکزی» در بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما به جنگ با کسانی که باید جنگید، عادت داریم و همواره مخالف سرسخت امپراتوری آمریکایی بوده‌ایم.» این گروه افزود: «هیچ دخالت نظامی و هیچ نقض حاکمیت کلمبیا را تحمل نخواهیم کرد.» این گروه شبه‌نظامی از جمله بزرگ‌ترین جناح‌هایی است که توافق صلح ۲۰۱۶ بین نیروهای فارک و دولت کلمبیا را نپذیرفته‌اند.

از سپتامبر سال گذشته، آمریکا حملات هوایی در دریای کارائیب انجام داده که عمدتاً هدف آن‌ها قایق‌های قاچاق مواد مخدر بوده است. واشنگتن مسئولیت ۱۰ حمله را بر عهده گرفته که حداقل ۴۳ کشته بر جای گذاشته‌اند. این حملات باعث افزایش تنش‌های منطقه‌ای به ویژه با ونزوئلا و کلمبیا شده است.

ترامپ کلمبیا را متهم کرده که اقدامات کافی برای مقابله با تجارت مواد مخدر انجام نمی‌دهد و به همین دلیل تحریم‌های اقتصادی علیه گوستاوو پیترو، رئیس‌جمهور کلمبیا اعمال کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین تهدید کرده که مرحله بعدی ممکن است یک عملیات زمینی باشد. شبه‌نظامیان «هیئت ستاد کل» کنترل تولید و توزیع مواد مخدر را در چندین منطقه کلمبیا، به ویژه نزدیک مرز با ونزوئلا در اختیار دارند و یکی از بازیگران اصلی شبکه قاچاق مواد مخدر این کشور محسوب می‌شوند.

پ.ک.ک ممکن است فعالیت‌های خود در سوریه و عراق را متوقف کند

روزنامه حریت ترکیه اظهار داشت که خروج حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) از ترکیه می‌تواند مقدمه‌ای برای پایان کامل فعالیت‌های آن در سوریه و عراق باشد. این روزنامه خاطرنشان کرد که این روند که تحت نظارت سازمان اطلاعات ترکیه (میت) در حال انجام است، شامل مراحل آتی، از جمله تخلیه پایگاه‌های آن در شمال عراق و انحلال رسمی حزب است. این گزارش با توجه به اینکه اعلامیه جدید به این روند «انگیزه بیشتری» می‌دهد، افزود: «مرحله اول، که توقف فعالیت در ترکیه و خروج نیروها است، قبلاً تکمیل شده است.» این پس از آن صورت می‌گیرد که این حزب در ماه مه گذشته در پاسخ به فراخوان رهبر خود که از سال ۱۹۹۹ در زندان است، انحلال خود را اعلام کرد.

تعامل میان پکن و تهران

عنصر فرصت‌طلبانه‌ای را در خود دارد. با اینکه چین در سال‌های اخیر نقش حیاتی در اقتصاد ایران ایفا کرده و مسیر مهمی برای مقابله با فشارهای تحریمی بوده است، این رابطه هرگز به ظرفیت واقعی خود نرسیده است

اتحادملت-گروه‌بین‌الملل-عاطفه‌عبداللهی‌نژاد؛ همزمان با حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران و تشدید احتمال درگیری منطقه‌ای، واکنش چین نه تنها بلندپروازیش برای ایفای نقش در امور جهانی را آشکار کرد، بلکه محدودیت‌های این جاه‌طلبی را نیز نمایان ساخت. این تحولات به آژمونی پیچیده برای سیاست چین در خاورمیانه و جایگاه آن در دیپلماسی بین‌المللی تبدیل شد. علاوه بر این، پکن تلاش کرد انسجام محور نوظهور همکاری میان چین، روسیه و ایران را تقویت کند.

در ظاهر، واکنش چین سریع و همگام با اصول کلی سیاست خارجی خود بود. این کشور حملات اسرائیل را به شدت محکوم کرد، خواستار آتش‌پس فوری شد و فعالیت‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را سازمان ملل به راه انداخت. وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، حملات اسرائیل را مخالف قوانین بین‌المللی دانست و رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ نیز با انتشار پیامی توجه‌ها را به لزوم کاهش تنش‌ها جلب کرد. این مواضع تلاش داشت تا چین را به عنوان قدرتی مسئول و حامی ثبات جهانی معرفی کند.

با وجود رویکرد اصولی و انتقادی چین، این کشور در عمل هیچ تلاش جدی برای میانجیگری بین اسرائیل و ایران انجام نداد. با وجود توافق استراتژیک ۲۵ ساله با ایران و اهمیت انرژی این کشور برای پکن، اقدام قابل توجهی برای تغییر مسیر بحران ارائه نشد. برخلاف ایالات متحده که معمولاً متحدان خود را بسیج می‌کند یا تضمین‌های امنیتی جدی می‌دهد، چین نه از روابط اقتصادی‌اش بهره برداری کرد و نه نقش فعالی در کاهش تنش‌ها ایفا نمود. حتی پیشنهاد چهار بندی از سوی رئیس‌جمهور چین رویکرد کلی و آشنایی را تکرار کرد بدون اینکه راهکاری عملی برای حل بحران ارائه دهد.

ممکن است پیچیدگی خصوصت میان ایران و اسرائیل کارآمدی هرگونه میانجیگری مستقیم از سوی چین را از میان برده باشد. اما این وضعیت همچنان نشان‌دهنده تفاوت بزرگی بین اهداف جهانی چین و تمایلش به پرهیز از تعهدات امنیتی است که ممکن است منافع اصلی‌اش، به‌ویژه روابط با پادشاهی‌های خلیج فارس و بازارهای جهانی، را تحت تأثیر قرار دهد.

این اختلاف در نحوه عمل میان آمریکا و چین از نگاه بازیگران منطقه ای پنهان نمی‌ماند. در حالی که چین تصویری مبتنی بر خوشتنداری و چندقطبی بودن جهان را تبلیغ می‌کند، آمریکا با وجود اشتباهاتش در عرصه استراتژیک تغییرات میدانی ملموسی را دنبال می‌کند. این تفاوت پرسشی کلیدی برای پکن ایجاد می‌کند که آیا قدرتی که از اقدامات جسورانه در زمان بحران اجتناب می‌کند و تجربه کافی در مدیریت چالش‌های امنیتی ندارد، می‌تواند ادعای رهبری

تحلیل لایحه الحاق کرانه باختری در کنست و واکنش‌های بین‌المللی:

چالش جدید برای صلح

هفته گذشته کنست اسرائیل در اقدامی جنجالی، لایحه الحاق کرانه باختری را در رأی‌گیری مقدماتی با ۲۵ رأی موافق در برابر ۲۴ رأی مخالف تصویب کرد و لایحه الحاق شهرک معاله دومیم را با ۳۲ موافق در برابر ۹ مخالف پیش برد. تایمز آو اسرائیل و الجزیره گزارش دادند که این اقدام، همزمان با بازدید معاون رئیس‌جمهور آمریکا ج‌دی ونس، واکنش‌های تندی از واشنگتن، اعراب و سازمان ملل برانگیخت.

به گزارش خبرنگارلین: سپتامبر ۲۰۲۵، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با میانجی‌گری قطر، مصر و ترکیه، طرح ۲۰ محوری صلح غزه را اعلام کرد که فاز اول آن در ۹ اکتبر به توافق رسید و آتش‌بس موقت، آزادی ۲۰ گروگان زنده اسرائیلی و تبادل با ۲۵۰ زندانی فلسطینی را به همراه داشت.

این توافق، که ترامپ آن را «طلوع خاورمیانه جدید» خواند، به عقب‌نشینی مرحله‌ای اسرائیل از غزه، خلع سلاح حماس و انتقال اداره به کمیته تکنوکرات فلسطینی منجر شد. در ادامه، اجلاس شرم‌الشیخ در ۱۳ اکتبر، با حضور ۳۰ رهبر جهانی، بیانیه «ترامپ برای صلح پایدار» را امضا کرد و تعهد ۵۰ میلیارد دلاری برای بازسازی غزه را به ثبت رساند.

اما پس از توافق، غزه با چالش‌هایی روبه‌رو شد. ۱۹ اکتبر، حماس متهم به حمله به سربازان اسرائیلی در رفح شد که به حملات هوایی اسرائیل و کشته شدن ۲۹ فلسطینی

چرا پکن در جنگ ایران و اسرائیل تماشاگر بود؟

تضاد میان قدرت‌های بزرگ



جهانی‌کند؟

امنیت انرژی یکی از نقاط آسیب‌پذیر اساسی چین در هر بحرانی مربوط به خاورمیانه به شمار می‌آید. حدود ۴۰ درصد نفت وارداتی چین از این منطقه تأمین می‌شود و تنگه هرمز نقشی حیاتی در انتقال جهانی نفت ایفا می‌کند. هرگونه بحران یا احتمال مسدود شدن این مسیر تجاری می‌تواند پیامدهای منفی اقتصادی جهانی ایجاد کند و البته نگرانی‌های پکن را در زمینه امنیت انرژی دوچندان کند. این چالش‌ها باعث شده که چین به دنبال تنوع‌بخشی به مسیرهای تأمین انرژی باشد؛ از جمله طرح‌هایی نظیر خطوط لوله آسیای مرکزی، کریدور اقتصادی چین-پاکستان و حتی پروژه خط لوله قدرت سیبری ۲ که به دلایل مختلف تاکنون پیشرفت کمی داشته است. ایجاد مسیرهای جایگزین لجستیکی اکنون به یکی از پایه‌های امنیت ملی چین تبدیل شده؛ اما بحران کنونی نشان داد که تحولات انرژی جهانی همچنان ضعیف مهمی برای پکن محسوب می‌شود.

هرچند توسعه فناوری‌های جدید در حوزه انرژی تجدیدپذیر، از جمله حمل‌ونقل، پیشرفت‌هایی برای چین ایجاد کرده، اما بخش‌های کلیدی دیگر مانند صنایع پتروشیمی همچنان نیازمند نفت خواهند بود. تا زمانی که وابستگی اقتصاد چین به نفت خاورمیانه باقی بماند، این کشور در برابر ضربه‌های ناشی از نوسانات غیرقابل پیش‌بینی آسیب‌پذیر خواهد بود؛ واقعیتی که به چالشی ناخوشایند برای کشوری تبدیل شده که تلاش دارد جایگاه خود را مستقل از مسیرهای دریایی تحت کنترل آمریکا تثبیت کند.

محدودیت‌های محور شرق

اگر مواجهه بین اسرائیل و ایران به‌منابه آژمونی برای سنجش همبستگی میان کشورهای مخالف غرب در نظر گرفته شود، آنگاه نشانه‌های روشنی از شکاف‌های موجود آشکار شده‌اند. بسیاری از تحلیل‌گران غربی، ائتلاف غیررسمی میان پکن، مسکو و تهران را ورزنه‌ای متقابل برای ناتو می‌دانند، اما این درگیری وضعیت امیدوارکننده‌ای برای چنین تصویری به نمایش نگذاشت.

امتناع روسیه از حمایت قاطع‌تر از تهران، که در اظهارات ولادیمیر پوتین مبنی بر اینکه «اسرائیل تقریباً یک کشور روسی‌زبان است» نمایان شد، تناقضات سیاست مسکو در منطقه را برملا کرد. در عین حال، چین نیز با حفظ فاصله خود، نشان داد که مشارکت‌های راهبردی الزامی برای شکل‌گیری اتحاد پایدار نیستند. اشتراک در مخالفت با غرب نمی‌تواند خلأ اهداف مشترک را پر کند. آنچه نمایان می‌شود، الگوی استراتژیک محافظه‌کاری است که چین به کار گرفته تا همزمان از اشتباهات آمریکا و بی‌ثباتی منطقه‌ای بهره‌برد و در عین حال وجهه بی‌طرف خود را نیز حفظ کند. این رویکرد اگرچه به چین انعطاف بیشتری می‌دهد، نفوذ آن بر اتفاقات منطقه‌ای

بین‌الملل ۷

سه‌شنبه / ۶ آبان ۱۴۰۴ / شماره ۲۰۷۲

ادامه یابد. کارآفرینان و شرکت‌های فناوری اسرائیلی احتمالاً همچنان به دنبال دستیابی به سرمایه‌گذاری‌ها و بازارهای چین خواهند بود، به‌ویژه اگر سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی کاهش یابد. با این حال، عصر همکاری گسترده میان دو کشور ظاهراً پایان یافته است

این درگیری فرصت مناسبی فراهم کرد تا ایالات متحده و چین مدل‌های متضاد رهبری جهانی خود را در معرض نمایش بگذارند. آمریکا با دخالت مستقیم، بر تعهد خود به حمایت از متحدان و نقش کلیدی‌اش در خاورمیانه تأکید کرد.

در مقابل، چین رویکرد سنتی عدم مداخله خود را حفظ کرد و بر دیپلماسی، خوشتنداری و چندجنبه‌گرایی متمرکز نمود. این رویکرد بخشی از هویت جهانی چین است؛ کشوری که ادعا دارد از اجبار و تحمیل دوری می‌کند و به دخالت نیاز ندارد. چنین الگویی برای بسیاری از کشورهای جنوب جهانی که به وعده توسعه بدون مداخله اهمیت می‌دهند، جذاب است. اما در مواقع بحرانی، عدم اتخاذ موضع قاطع—چه به دلیل محدودیت‌ها و چه به عنوان یک تصمیم راهبردی—تردیدهایی در مورد توانمندی چین برای تأثیرگذاری بر روندها ایجاد کرده است. به‌ویژه اینکه ابتکار امنیت جهانی چین (GSI) با محوریت «امنیت مشترک، همه‌جانبه، مبتنی بر همکاری و پایداری» همچنان با واقعیت‌های محیطی که قدرت سخت بر آن حاکم است، هماهنگی کامل ندارد.

متمرکز آمریکا بر خاورمیانه ممکن است ظهور نظم پس‌آمریکایی در این منطقه را به تعویق بیندازد، اما همزمان فرصتی استراتژیک برای چین فراهم می‌آورد. این امکان به پکن اجازه می‌دهد تا نفوذ خود را از طریق دیپلماسی و تعامل اقتصادی در منطقه هند و اقیانوسیه تقویت کرده و خود را به عنوان یک جایگزین باثبات در مقابل نظم نظامی‌محور آمریکا معرفی نماید.

فرصت‌ها، محدودیت‌ها و بازنگری

جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران فراتر از یک درگیری منطقه‌ای بود؛ این جنگ نقطه‌ای تعیین‌کننده بود که خطوط گسل در دینامیک‌های جدید قدرت جهانی را آشکار ساخت. برای چین، این درگیری یادآوری بود که دیپلماسی بدون داشتن اهرم قابل توجه نمی‌تواند سرنوشت وقایع را مشخص کند. شرارت بدون پایه اعتماد پایدار نیست و دستیابی به رهبری جهانی نیازمند تعهدات راهبردی جدی است.

با این حال، چین نیز توانست دستاوردهایی کسب کند. بالغ‌گشت ترمکز آمریکا که خاورمیانه احتمالاً فشارها را بر حضور چین در منطقه هند و اقیانوسیه کاهش می‌دهد. علاوه بر این، پکن فرصت یافت تا همکاری‌های اقتصادی خود با ایران را گسترش دهد و مخالفتش با استفاده یک‌جانبه از تحریم‌های اقتصادی را تقویت کند؛ آن هم بدون اینکه هزینه‌های مداخله مستقیم را پرداخت کند. با این حال، این‌ها بیشتر پیروزی‌هایی تاکتیکی‌اند تا استراتژیک. این جنگ نه نقشی تازه برای چین در خاورمیانه تعریف کرد و نه آن را ارتقا داد، بلکه عملکرد واقعی پکن را شفاف‌تر نمود.

چین همچنان یک شریک اقتصادی مهم، صداپی دیپلماتیک و رقیبی سیستماتیک برای غرب است، اما هنوز - و شاید هیچ‌گاه - به یک بازیگر مؤثر در حوزه امنیت منطقه تبدیل نخواهد شد. این نقش همچنان در انحصار ایالات متحده باقی می‌ماند. برای کشورهای خلیج فارس و دیگر بازیگران منطقه پیامد روشن است: در هنگام آغاز بحران یا شلیک موشک‌ها، چین راه‌حلی عملی ارائه نمی‌دهد. و برای چین نیز پیام واضح است: اگر قصد دارد به آرمان ایجاد یک نظم جهانی جدید دست یابد، باید دیپلماسی خود را قاطع‌تر پیش ببرد، خطراتی امنیتی حساب‌شده‌ای را بپذیرد و نشان دهد که می‌تواند در مواقع حساس تأثیرگذاری واقعی داشته باشد.



طرح ترامپ (خلع سلاح حماس و حکومت تکنوکرات) در تضاد است، حمایت اعراب (۵۰ میلیارد بازسازی) را قطع می‌کند. این در حالی است که اجرای طرح کنست، نتایج‌هو را در برابر ترامپ که الحاق را «تهدید صلح» خوانده، قرار می‌دهد. در نتیجه حماس را تقویت کرده و فاز دوم آتش‌بس (بازسازی) را متوقف می‌کند. در همین راستا «مؤسسه بروکینگز» گزارش داد که لایحه، قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۲۳۸ را نقض می‌کند و الحاق را غیرقانونی ارزیابی می‌کند. به همین دلیل، لایحه سلبه آمریکا بر صلح ترامپ را چالش می‌کند. در مجموع، لایحه الحاق کرانه باختری، صلح ترامپ را تهدید خواهد کرد و انزوی اسرائیل و افزایش خشونت از پیامدها هستند.

۱۴ کشور عربی-اسلامی (عربستان، قطر، ترکیه، اندونزی) نیز آن را «نقض فاحش قانون بین‌الملل» خواند و خواستار اقدام جهانی شد. اما این انزوا سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیاردی غزه را نیز تهدید می‌کند، چرا که امارات، الحاق را «خط قرمز» خوانده و مشارکت مالی در بازسازی غزه را مشروط به توقف آن کرد. از سوی دیگر این طرح، نتایج‌هو را در ائتلاف راست‌گرا تضعیف و تنش با اردن را افزایش می‌دهد. در سطح تحلیلی دیگر، لایحه الحاق، آتش‌بس غزه را تهدید می‌کند. ونس در تل‌آویو گفته: «این تحریرک احمقانه است و الحاق صلح ترامپ را نابود می‌کند». در چنین شرایطی است که توافق ۹ اکتبر آنچنان شکننده است که نقض‌های متقابل آن را لرزاند و الحاق، که با